

«ارتباط راویان»

در نرم افزار درایة النور

محسن مقیمی*

اشاره

موضوع «ترتیب اسانید و ارتباط راویان»، در هر سه مرحله: تشخیص سند، تنقیح اجزای آن و بررسی احوال راویان، تأثیرگذار است. در مرحله اول، اسناد از ابهام‌های پدیدآمده مانند: تعلیق، ضمیر، اشاره، تحویل و تزییل رهایی می‌یابند و به یک سند کاملاً مشخص و ساده تبدیل می‌شوند. در مرحله دوم، نوبت به تنقیح و تحلیل اجزای آن می‌رسد که با تمییز مشترکات و توحید اختلافات و تعیین عناوین معیار برای عنوان‌های راویان حاصل می‌شود. همچنین، با تشخیص تحریفات و چگونگی آنها، سند منقح می‌شود. در کنار این مباحث، می‌توان اشتباهات و ابهامات سند را مرتفع کرد. در مرحله سوم نیز با بررسی منابع رجالی و قواعد و مبانی جاری در اسناد و آزمون توثیقات عام و راهکارهای مختلف، حال راوی و وثاقت او احراز می‌شود تا به سندی صحیح یا غیرصحیح و روایتی قابل اعتماد و غیر آن دست یافت. همه این مراحل، در نسخه دوم نرم‌افزار درایة النور پیاده شده است.

کلیدواژگان: ارتباط راویان، موسوعه سندی، ترتیب اسانید، علم طبقات، معجم رجال الحدیث، الموسوعة الرجالية، سیستم مشابه یاب

* پژوهشگر و کارشناس ارشد گروه رجال نور.

مقدمه

در نرم‌افزار درایة النور، بخش‌های سند و راوی، مشتمل بر مجموعه‌ای سودمند از اطلاعات رجالی است که حاصل پژوهش‌های سه دهه گروه رجال مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی است. در این قسمت‌ها، در باره ارائه اسناد ویژه و چگونگی بازسازی آنها و انواع سند به لحاظ وقوع اختلال و تعیین ارسال و اتصال و ارزیابی یکایک سندها و بالأخره اعتبارسنجی روایات، مطالب مهمی ارائه می‌شود.

علاوه بر همه قابلیت‌ها، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین قابلیت‌های این برنامه، آن است که برای پژوهشگر این امکان را فراهم می‌سازد که بتواند تحقیقات ابداعی خود را با اجتهاد خویش به انجام رساند. برای این منظور، دو قابلیت طراحی شده است؛ یکی، اعمال نظرات کاربر در مواردی است که توسط سازندگان برنامه، استظهار و اجتهاد نظر خاص اعمال شده است؛ اعم از اعمال موارد توثیق عام یا بازسازی سند و دیگر مواردی که توسط گروه یا دیگران استظهار و عملی شده‌اند و قابلیت دیگر، امکان تعریف و تهیه انواع ترتیب الاسانید مد نظر کاربر مطابق با اجتهادات خاص خود است. در همین راستا، سامانه مشابه‌یاب و سیستم لینک اسناد روایات متحد در مصادر مختلف، با هدف دستیابی به اختلاف کتاب‌ها و اختلاف نسخ و... در قالب کارتابل «ارتباط راویان» در این نسخه و نسخه قبل درایة النور، تهیه و تقدیم شده است.

در این خصوص، با امید به تکمیل طرح‌ها و نقد و پیشنهاد مؤثر بزرگان و اساتید فن و صاحب‌نظران عزیز، نکاتی در سه فصل بیان می‌شود:

۱. موسوعه‌های سندی و معاجم رجالی در تطور علم رجال؛

۲. نقش آفرینی فضای الکترونیک در مدیریت افق‌های پیش رو؛

۳. افق‌های جدید قابل رصد در سامانه‌های اسناد.

الف. موسوعه‌های سندی و معاجم رجالی در تطور علم رجال

بیشتر کتاب‌های رجالی، یعنی مصادر ثانویه و جوامع رجالی، فقط به جمع‌آوری اقوال ائمه رجال پرداخته‌اند و به امور مورد نیاز در سندپژوهی مانند: طبقه راوی، اساتید و مشایخ او در احادیث، مقدار روایت او، ضابط بودن و اتقان احادیث او، فضل و کمال و نیز نوع و میزان تخصص راوی نپرداخته‌اند. از سوی دیگر، در اثر عدم دقت در هنگام استنساخ و کتابت و تشابه اسمی راویان در

علاوه بر همه قابلیت‌ها، می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین
قابلیت‌های نرم‌افزار درایة النور، آن است که برای پژوهشگر این
امکان را فراهم می‌سازد که بتواند تحقیقات ابداعی خود را با
اجتهاد خویش به انجام رساند

سند و متن، به بسیاری از روایات، تحریف و تصحیف راه یافته است و چه بسا، نام یک یا چند راوی، از سندی سقط شده یا به آن اضافه گردیده باشد. جهت سوم اینکه نام بسیاری از راویان، مشترک بین ثقه و ضعیف است و برای تشخیص مراد از آنها نیاز به علمی فرعی در رجال به نام «تمییز مشترکات» احساس می‌شد تا این نقص را برطرف کند و بالأخره، بیشتر کتب رجالی به طبقات راویان اشاره ندارند؛ البته به استثنای رجال شیخ طوسی و رجال برقی و رجال کشی که آنها هم نقایصی دارند. با توجه به این مسائل، احساس می‌شد که کتاب‌های رجالی باید به نحوی دیگر نوشته شوند تا به این مشکلات پاسخ دهند و به مشایخ و تلامیذ و طبقات راویان بپردازند؛ بلکه بتوانند بر مشکلات چهارگانه فوق و غیر آن فایق آیند.

از این رو، از گذشته‌های دور، بعضی از رجالیون، به‌خصوص در کتاب‌های رجالی متأخران، طریقی دیگر گشودند و علاوه بر معاجم رجالی، موسوعه‌های سندی را در دستور کار و تحقیق‌های رجالی قرار دادند و سند به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع رجالی در کنار رجوع به اقوال ائمه رجال، مطرح گردید و از این راه، علاوه بر غنای مباحث فهم سند، روش‌های جدیدی را در دستیابی به: مهارت، ضبط راویان، وثاقت در نقل و تعداد روایات، طبقه‌روایی و مشایخ و تلامیذ او و ارسال و اتصال اسناد روایات او پی‌ریزی کردند.

در این موضوع، مطالب پُرباری از بزرگان نقل شده است؛ از جمله، آیت‌الله بروجردی در مقدمه کتاب «ترتیب اسانید کافی» می‌فرماید بخشی مهم و کاربردی از مباحث علم رجال، بر محور شناسایی طبقه راوی می‌باشد که در چه عصر و دوره‌ای نقل روایت می‌کرده و ارتباط روایتی او با دیگر راویان چگونه بوده است و مهم‌ترین اطلاعات در این خصوص، از سامان‌دهی اسناد کتاب‌های حدیثی صورت می‌پذیرد و شاگردان و مشایخ و طبقه‌تفصیلی راویان، با دقت‌ها و ظرافت‌های خاص به دست می‌آید و این بانک عظیم اطلاعاتی، نقشی اساسی در مباحث سندشناسی، تمییز اسامی مشترکات راویان، بازشناسی عناوین مختلف یک راوی و آسیب‌شناسی مباحث سندی دارد.

البته در جای خود با بحث نقش آفرینی علم طبقات در تطبیق بسیاری از مبانی توثیقات عام و پیاده کردن ضوابط تصحیح اسناد و تحقیق اعتبار روایات با مبانی خاص آشنا خواهیم شد.

در تأکید نظر آیت‌الله بروجردی، برخی از شاگردان ایشان گفته‌اند: «ابتکار مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی، در طبقات بود و ما پیش از وی، به این ترتیب، طبقه‌بندی و بهره‌برداری از علم طبقات در رجال نداشتیم.»^(۱)

زمانی که نگارنده این مقاله، مشغول نوشتن «معجم الثقات» بود، به هنگام بررسی کتاب‌های رجال، به یک کتاب خطی برخورد کرد که تألیف آن تمام نبود؛ یعنی مرتب نوشته نشده بود. معلوم بود که این کتاب، مقدمه تألیف است. این متن، پیش‌نویس کتابی بود به نام «طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال» که مؤلف آن، سید علی‌اکبر بن محمد شفیع موسوی است و معاصر با شیخ انصاری (ره) بوده است.

کتاب دیگر در این زمینه، «جامع الرواة» است و تقریباً بهترین کتابی است که خواسته «من روی عن الراوی» و «من یروی عنه الراوی» را مشخص کند. در مورد هر راوی بیان می‌کند از چه کسانی روایت کرده و چه اشخاصی از او روایت کرده‌اند. این کار، در «معجم الرجال» به طور دقیق‌تر انجام شده است.



کتاب‌های رجالی با رویکرد حل مشکلات سندی

اولین کتاب، «جامع الرواة» محقق اردبیلی، معاصر مرحوم مجلسی است. پس از او، سید محمد شفیع تفرشی، «طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال» را نوشت و طبقه اول را از خودش شروع کرد. به این ترتیب، شیخ طوسی در طبقه ۱۲ واقع می‌شود و طبقه ۳۲ به یاران پیامبر(ص) منتهی می‌گردد. این کتاب، به چاپ نرسیده است.

سرانجام مرحوم آیت‌الله بروجردی با به ثمر رساندن دو عمل بزرگ، برترین خدمت را به علم رجال نمود. وی با مرتب کردن سندهای کتاب‌های اربعه روایی و دیگر کتاب‌های حدیثی و حتی اسناد و طرق موجود در کتاب‌های رجالی، اساتید، و شاگردان راوی و عصر و طبقه او را معین کرد. ظاهراً همه آمال و اهداف ایشان، از ایده ترتیب‌الاسانید برآورده نشد و در بخش سوم این نوشتار، به بعضی از افق‌های قابل دستیابی پژوهش‌های این‌چنینی، اشاره خواهیم کرد.

ایشان با نوشتن کتاب «طبقات الرجال» که در آن، طبقه اول را صحابه پیامبر(ص) و طبقه دوم را راویان از امیرمؤمنان و حسنین(علیهما السلام) قرار داد، طبقات راویان را تا عصر شیخ طوسی به ۱۲ طبقه رساند.

اثر چهارم، «معجم رجال الحدیث» تألیف مرحوم آیت‌الله خویی است که در این علم، به طبقات راویان بر اساس اسناد کتاب‌های روایی، به عنوان یکی از ارکان کتاب پرداخته شده است. ایشان علاوه بر آوردن متون کتب رجالی قدیم، ضمن پرداختن به استظهارات خاص خود، به تعداد روایات راوی و محل آن در کتب اربعه همراه با ذکر مشایخ و اساتید او به طور مفصل اشاره می‌کند. از این راه، می‌توان بسیاری از مشترکات را حل کرد و به مقدار روایت راوی و با توجه به طبقه او، به حلقه‌های مفقوده دست یافت. ایشان با پرداختن به مقوله اختلاف نسخ و اختلاف کتاب‌ها، کار بسیار زیبایی را در جهت دستیابی به تحریفات و تصحیفات واقع در اسناد روایات را به انجام رسانده است. کتاب پنجم در این مجال، ضمن اشاره به مباحث سندی، کتاب «قاموس الرجال» است که به همت رجالی فرهیخته، مرحوم شیخ محمدتقی شوشتری سامان یافته است. اثر دیگر ایشان، به نام «الأخبار الدخیلة» هم باید مورد توجه قرار گیرد.

ششم، موسوعه‌های سندی آیت‌الله شبیری زنجانی(دام‌الله) است که شامل ترتیب اسانید کتاب‌های

صدوق(ره) و طبقات راویان کتاب‌های صدوق و تفصیل طبقات راویان مربوط به افراد اصحاب اجماع و دیگر تبعات و موشکافی‌ها در آثار این فقیه پُرمایه، در این زمینه مغتنم شمرده شده است. و بالأخره در ردیف هفتم، نرم‌افزار درایة النور از آثار قابل توجه در این موضوع می‌باشد.

ب. نقش آفرینی فضای الکترونیک در مدیریت افق‌های پیش رو

ایده‌های سندپژوهی بزرگان و اقدامات قابل پیاده شدن به صورت مکتوب مثل «معجم رجال» و غیر آن، در جای خود شرح داده شده است و از مواردی که می‌توان در فضای الکترونیک به انجام پژوهش‌های ارزشمند رجالی پرداخت و آن را در اختیار رجال‌پژوهان قرار داد، همین مجال است.

آنچه در آثار مکتوب مزبور آمده، مثل ترتیب اسانید کتاب‌ها، فقط در یک قابلیت، یعنی فهرست مرتب‌شده اسانید به ترتیب مشایخ مؤلف و سپس مشایخ مشایخ تا آخر سندهاست؛ اما از نرم‌افزاری مثل درایة النور انتظار می‌رود که با پشتوانه بسیار غنی محتوایی، مخصوصاً با ضمیمه شدن سیستم مترادفات عنوان‌های راویان (عناوین معیار)، نمودهای بی‌شماری از ترتیب‌های اسانیدها و طبقات‌ها را شاهد باشیم؛ نظیر ترتیب اسانید از ابتدای سند و ترتیب اسانید با ملاحظه انتهای سند و البته با قابلیت‌های آماری دامنه‌های مختلف و ترتیب‌های اسناد راویان خاص و نیز ترتیب اسانید با جست‌وجوی دو یا چند راوی.

پرواضح است که این مجال‌های پژوهشی، کاربر را در زمینه‌های کشف تحریف و یافتن تصحیف و سقطات و تشخیص زیادات و تمیز عناوین مشترک به طور تمام‌عیار کمک خواهد کرد. پژوهشگر با امداد از این ابزار، دقت‌های خاص را در مشیخه و طرق به کار می‌گیرد و مسیر منبع‌یابی مصادر حدیثی را قابل رهیافت می‌بیند.

از قابلیت‌های دیگر که می‌توان آنها را به عنوان معین و مکمل این قابلیت به حساب آورد، سیستم مشابه‌یاب و سیستم لینک مصادر کتاب‌های حدیثی است؛ مانند لینک روایات بحار‌الأنوار و مصادر آن و نیز لینک وسائل الشیعه و مصادر آن و ارتباطدهی سایر مصادر حدیثی که از همدیگر حدیث اخذ کرده‌اند. اینها همه سیستم به‌هم‌پیوسته‌ای را تشکیل می‌دهند که مسلماً با ملاحظه تحقیقات سودمند در حواشی چاپ‌های مختلف، از جمله چاپ اخیر کافی توسط مؤسسه دارالحدیث و نیز تحقیق‌های نسخه‌ای آقای علی‌اکبر غفاری و دیگر مؤسسات پژوهشی، سامانه کاملی برای تحقیق در اختلاف نسخ و اختلاف کتاب‌ها خواهند بود.

از نرم‌افزاری مثل درایة النور انتظار می‌رود که با پشتوانه بسیار غنی محتوایی، مخصوصاً با ضمیمه شدن سیستم مترادفات عنوان‌های راویان (عناوین معیار)، نمودهای بی‌شماری از ترتیب‌های اسانیدها و طبقات‌ها را شاهد باشیم؛ نظیر ترتیب اسانید از ابتدای سند و ترتیب اسانید با ملاحظه انتهای سند و البته با قابلیت‌های آماری دامنه‌های مختلف و ترتیب‌های اسناد راویان خاص و نیز ترتیب اسانید با جست‌وجوی دو یا چند راوی

کتاب وسائل الشیعه بر اساس شماره‌گذاری چاپ آل‌البیت، ۳۵۸۶۸ روایت دارد. این آمار، تعداد احادیثی را نشان می‌دهد که هر یک ممکن است مشتمل بر چند نقل متفاوت باشد؛ ولی اگر به بررسی تعداد اسناد پیردازیم و بخواهیم آمار روایات نقل شده از منابع مختلف را نشان دهیم، این تعداد به ۵۰۴۶۳ روایت خواهد رسید. این روایات، از ۱۲۶ منبع نقل شده است. همچنین، کتاب بحار الأنوار که ۶۹۴۰۰ روایت دارد به همراه روایات قسمت بیان‌های مؤلف بحار از حدود ۲۰۰ منبع، مخصوصاً تحقیق‌های انجام شده در مراکز پژوهشی، بسیار ارزشمند و مغتنم هستند.

ج. افق‌های جدید قابل رصد در سامانه‌های اسناد

از جمله افق‌های جدید در بحث اسناد، موضوع مشابه‌یابی و سپس متحدیابی به منظور فاکتورگیری از مکررات روایات در مصادر حدیثی است. از برکات این مباحث، دستیابی به موارد تقطیع یا تلفیق احادیث است که از آمال و آرزوهای محدثین می‌باشد و قدم‌به‌قدم پژوهش‌های ایشان، از ضرورت طراحی و کارآمدتر کردن نرم‌افزارها در این زمینه‌ها حکایت می‌کند.

در دو مثال ذیل، نقش‌آفرینی ارتباط راویان و توجه به سند در مصدر منبع و همین‌طور نقش اختلاف نسخ قابل توجه است:

مثال اول: دو روایت پیاپی از کتاب الکافی

– «محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد، عن الحسن بن محبوب، عن أبي ولاد الحنّاط، عن أبي عبد الله - عليه السلام - ...»

– «و عنه، عن أحمد، عن عبد الملك بن عتبة، عن إسحاق بن عمار، عن أبي الحسن موسى - عليه السلام - ...» (۲)

در سند دوم، با اختلالی در سند مواجه هستیم که نیاز به سیستم ترتیب‌الاسانید و ارتباط راویان و سامانه اختلاف نسخ و اختلاف کتب پیداست و تجربه پژوهشی در تحقیقات کتاب توضیح‌الاسناد المشکله (ج ۱، ص ۳۳۶) در توضیح سند فوق، ضرورت این طراحی را تأکید می‌کند.

مثال دوم: سه روایت پیاپی در تهذیب الأحكام

– «روی أحمد بن محمد بن عیسی عن إسحاق بن جریر عن أبي عبد الله - عليه السلام - ...»

– «أحمد بن محمد بن عیسی عن أبي المغراء عن الحلبي قال قال أبو عبد الله - عليه السلام - ...»

– «و بالإسناد عن أبي المغراء عن أبي بصیر قال...» (۳)

در سند اسحاق بن جریر، این مشکل دیده می‌شود که احمد بن محمد بن عیسی، آن را مستقیماً از اسحاق بن جریر نقل کرده است؛ ولی با مراجعه به اسناد درمی‌یابیم که احمد بن محمد بن عیسی، اسحاق بن جریر را درک نکرده است. بنابراین، روایت فوق را باید مرسل دانست؛ چون با مراجعه به روات اسحاق بن جریر، می‌بینیم که همگی در طبقه متقدم بر احمد بن محمد بن عیسی بوده‌اند و در ردیف مشایخ وی یا جلوتر می‌باشند و هیچ‌راوی که در طبقه احمد بن محمد بن عیسی باشد، از اسحاق بن جریر نقل نمی‌کند و چون سه سند پشت سر هم در تهذیب، این مشکل را دارد و احمد بن محمد بن عیسی از ابوالمغراء هم مستقیماً روایت نمی‌کند، پس باید راه حلی جست که مشکل این سه سند پی‌درپی را با هم حل کند. برای حل مشکل سند، به عنوان مقدمه به یک علت مهم در رخ دادن سقط در اسناد اشاره می‌کنیم.

صاحب معالم در مقدمه «منتقى الجمان» صفحه ۲۴ بحثی مطرح کرده است که تعلیق در اسناد



چه بسا منشأ سقط در سند می‌گردد. توضیح اینکه حذف اوایل اسناد، در اصطلاح علم درایه تعلیق خوانده می‌شود. تعلیق، گاه به اعتماد سند قبل صورت می‌گیرد؛ مثلاً در کافی، ج ۵، ص ۳۷۹ و ۳۸۰، سه روایت پشت سر هم (رقم ۲-۴) دیده می‌شود که با «الحسن بن محبوب» (یا ابن محبوب) آغاز می‌شود. با اینکه کلینی «حسن بن محبوب» را درک نکرده، پس، چطور «حسن بن محبوب» را در آغاز سند قرار داده است؟ در فقیه و تهذیب و استبصار، «حسن بن محبوب» به طور فراوان در آغاز سند واقع شده است؛ ولی مؤلفان این کتب مشیخه‌ای، در پایان کتاب خود آورده‌اند که در آن، طریق خود را به «حسن بن محبوب» با عباراتی نظیر «و ما کان فیہ عن الحسن بن محبوب فقد رویته عن...» بیان کرده‌اند (۴)؛ ولی در کافی چنین مشیخه‌ای وجود ندارد. پس، چرا «حسن بن محبوب» در آغاز سند قرار گرفته است؟

پاسخ این سؤال، آن است که تعلیق در کافی به اعتماد سند قبل است؛ مثلاً در سندهای بالا، قبل از آنها این سند دیده می‌شود: «عدة من اصحابنا عن سهل بن زیاد و محمد بن یحیی عن احمد بن محمد بن عیسی عن ابن محبوب عن هشام بن سالم.»

در اینجا در روایات بعد، به جای اینکه کلینی بگوید: «و بهذا الاسناد عن الحسن بن محبوب»، «حسن بن محبوب» را اول سند قرار داده و قسمت نخست سند تا «ابن محبوب» را حذف می‌کند.

این کار در کافی و نیز در کتب محدثین سابق، بسیار اتفاق می‌افتاده است. مؤلفان متأخر هنگامی که می‌خواهند از کافی یا کتاب دیگر حدیثی نقل کنند، باید قسمت محذوف را به سند اضافه کنند؛ ولی گاهی دقت نکرده‌اند و تعلیق سند را به اعتماد سند قبل متوجه نشده‌اند و روایت را بدون اینکه قسمت ساقط شده را اضافه کنند، آورده‌اند؛ بلکه نام مؤلف مصدر قبلی همچون «محمد بن یعقوب کلینی» را بر آغاز سند معلق افزوده‌اند و مثلاً می‌گفته‌اند: «محمد بن یعقوب عن الحسن بن محبوب...». در نتیجه، واسطه در مصدر دوم، ساقط می‌شده است.

این اشتباه، برای شیخ طوسی و غیر او، بسیار اتفاق افتاده و سبب گردیده که روایت متصل در کتاب مثلاً تهذیب منقطع گردد. این اشتباه، کاملاً طبیعی است و ناشی از غفلت از طبقه روات است و برای حل آن، باید با فحص در اسناد مشابه، واسطه محذوفه را کشف کرد.

در بحث ما نیز به نظر می‌رسد منشأ سقط در این سه روایت پیاپی، عدم توجه به تعلیق سند بوده

است. این سه روایت را که شیخ از کتاب «احمد بن محمد بن عیسی» برگرفته، در آن کتاب معلق بوده و واسطه بین «احمد بن محمد بن عیسی» و «اسحاق بن جریر» در روایت اول، و واسطه بین «احمد بن محمد بن عیسی» و «ابی المغراء» در دو روایت بعدی، به جهت اعتماد بر سند قبل حذف شده بود. در نتیجه، با عدم توجه به تعلیق این اسناد و افزودن نام «احمد بن محمد بن عیسی» به آغاز آنها در کتاب تهذیب، سند منقطع گردیده است.

حال برای یافتن واسطه محذوفه در این اسناد، باید کسانی را یافت که هم واسطه بین «احمد بن محمد بن عیسی» و «اسحاق بن جریر» و هم واسطه بین «احمد بن محمد بن عیسی» و «ابی المغراء» می‌باشند. این واسطه مشترک، به ملاحظه اسناد مشابه، «علی بن الحکم» و «حسن بن محبوب» می‌باشند.

در همین راستا، ذکر نکاتی چند در نقش اسناد ویژه در تحلیل اسناد از استاد آیت‌الله شبیری زنجانی شایان توجه می‌باشد. این استظهارات، حاصل تجربه‌ها و نظریه‌های سندپژوهی از جانب ایشان است که البته شرح و بیان آنها با ذکر مثال‌های متعدد از دروس ایشان، مجال ویژه و مقاله‌ای دیگر می‌طلبد. از این رو، اصل مطالب را در ضمن جملاتی چند که در تکمله مباحث اسناد ویژه به قلم استاد سید محمدجواد شبیری مطرح شده، تقدیم می‌نماییم.

– در کافی حالات ویژه‌ای در سند دیده می‌شود: تعلیق، اضممار، اشاره و تحویل که در بحث قبل اشاره‌ای به آن شد و این پدیده‌ها، از نگاه اختصار در سند مورد توجه و تحلیل قرار گرفت؛ ولی معمولاً علت تعلیق و تحویل و اضممار و اشاره، اخذ از کتب می‌باشد.

– کسی که در اول اسناد معلق واقع است، معمولاً مؤلف کتاب مصدر احادیث می‌باشد.

– تعلیق بدون اعتماد به اسناد قبل، در اسناد ذیلی کافی گاه دیده می‌شود. در این گونه اسناد که به عنوان ذکر سند جدید و گاه برای اشاره به اختلاف در نقل آمده، انقطاع در آغاز یا پایان سند و ابهام در مراد از اسناد، بسیار است.

– در آغاز اسناد کافی، گاه ضمیری به کار رفته که به طور طبیعی باید به نفر نخستین سند قبل باز گردد؛ ولی در موارد بسیاری، ضمیر به وسط سند قبل بازگشته است که حاکی از مصدر کافی تلقی



الگوگیری از کتاب‌های «ترتیب الأسانید» آیت‌الله بروجردی و «معجم رجال الحدیث» آیت‌الله خوئی در ارائه قابلیت‌ها، مطابق با تحلیل فهرستی و یا موافق با تحلیل رجالی نرم‌افزار درایة النور می‌باشد



می‌گردد. فاصله افتادن بین ضمیر و مرجع آن، در مواردی از کافی دیده شده است که نوعی اشتباه نظم سیاق از سوی مؤلف یا غلط از طرف نویسندگان به نظر می‌رسد.

– اشارات کافی با جملاتی همچون «بهذا الإسناد»، معمولاً در جایی است که نام پس از این عنوان در سند قبل به کار رفته باشد.

– تحویل در اسناد کافی، نوعاً در قسمت طریق به کتب رخ داده و نام مؤلف کتاب مصدر، پس از تحویل قرار گرفته است.

سخن پایانی

الگوگیری از کتاب‌های «ترتیب الأسانید» آیت‌الله بروجردی و «معجم رجال الحدیث» آیت‌الله خویی در ارائه قابلیت‌ها، مطابق با تحلیل فهرستی و یا موافق با تحلیل رجالی نرم‌افزار درایة النور می‌باشد.

در تحلیل فهرستی، مانند روش مرحوم آقای بروجردی در ترتیب الأسانید، نقل و تحلیل تمام سلسله سند اهمیت دارد؛ چراکه در تحلیل فهرستی، از سلسله سند می‌توان به کتاب رسید؛ مثلاً سند سکونی از حلبی، به کتاب حلبی برمی‌گردد. یک سلسله سند که تکرار می‌شود، می‌توان فهمید که این سند، طریق به کتاب است؛ اما در تحلیل رجالی، تحلیل تمام سلسله سند اهمیتی ندارد و فقط طبقه رجال مهم است که هر راوی، از کدام راوی دیگر نقل می‌کند؛ یعنی بحث سندی در طبقات رجال، به راوی و مروی‌عنه ختم می‌شود؛ مانند روش مرحوم آقای خویی در «معجم رجال الحدیث» یا روش اردبیلی در «جامع الرواة» و روش رجالیان اهل سنت. بنابراین، ترتیب الأسانید مرحوم آقای بروجردی از نظر تحلیل فهرستی، مفید است؛ اما تمام کار نیست و اگر مرحوم آقای بروجردی قدم دوم را هم برمی‌داشتند و سلسله سندها را که کامل نقل کرده‌اند، به کتاب‌ها هم متصل می‌کردند، خیلی نافع بود و کار ایشان در تحلیل فهرستی، کارایی لازم را داشت.

ظاهراً ایشان به این نکته که سلسله سندها غالباً به کتاب برمی‌گردند، نظر نداشته و دست‌کم اشاره‌ای به آن ننموده است. قصد آقای بروجردی این بود که کل سلسله سندها را کنار هم بگذارد تا افتادگی‌های اسناد تشخیص داده شود؛ اما این کار، با ذکر دو یا سه طبقه هم قابل تشخیص بود و نیازی به نقل تمام سلسله سند نبود. کار مرحوم آقای بروجردی، چون تمام سلسله سند را از اوّل تا آخر درج کردند، این حُسن را داشت که بسیاری از ارسال‌ها، ابهام‌ها، اسقاط‌ها، تصحیف‌ها، عطف‌ها و اضافات در سلسله اسناد پیدا شد؛ اما تحلیل فهرستی، در کار ایشان نیست. کاش ایشان سلسله اسناد را تحلیل فهرستی می‌کرد و کتاب‌ها را مشخص می‌ساخت.

نتیجه کاربردی این بحث، آن است که بحث تحلیل فهرستی در حوزه‌های علمیه ما رایج نبوده و نیست؛ ولی امیدها فراوان است که این بحث مورد توجه قرار گیرد؛ بحث‌های تحلیلی منبع‌شناختی در آثار آیت‌الله شبیری زنجانی و فرزندشان استاد سید محمدجواد شبیری، در توضیحات اسناد فراوان دیده می‌شود. بدیهی است که تألیف کتاب‌ها و مقالاتی با این رویکرد، امیدساز است و قبل از اینها، در بعضی کتاب‌های رجال و منابع حدیثی مثل: «شرح من لایحضره الفقیه»، «روضه المتقین» و «لوامع» از مجلسی اوّل و به‌تازگی از استاد آیت‌الله سید احمد مددی (۵) که در سالیان اخیر اندکی از این مباحث را در حوزه جا انداختند، به این بحث پرداخته شده است؛ هرچند جای بسی تأسف دارد که آثار مکتوب استاد مددی در فضای اهل پژوهش نمود پیدا نکرد و به طور جدی

از این افکار، پشتیبانی نمی‌شود.

به نظر می‌رسد برای تحلیل و طراحی ایده‌هایی که در این نوشتار به‌جمال مطرح شد، قابلیت‌های منحصر به فرد در نرم‌افزار درایة النور لازم است و بعضی از آنها، به شرح ذیل پیشنهاد می‌شوند:

۱. قابلیت متحدیابی با ابزار لینک روایات متحد در مصادر حدیثی مثل بحار الأنوار و وسائل الشیعه با مصادرشان و نیز کتب اربعه و...؛

۲. قابلیت مشابه‌یاب با هدف‌گیری مطالب فوق‌الذکر؛

۳. کارتابل ترتیب‌الأسانید با قابلیت‌های ابتدای سند و انتهای سند و امکان جست‌وجوی یک یا چند راوی؛

۴. سامانه اختلاف‌نسخ و اختلاف‌کتاب‌ها؛

۵. قابلیت شیوه‌تعامل طبقات فقهای شیعه با روایات کتاب‌های حدیثی برای دستیابی به شهرت عملی و دیگر برکات این مباحث؛

۶. اسناد مشهوره و طرق پُر تکرار.

نکته مهم در این امور، آن است که ویژگی‌های این قابلیت‌ها برخلاف کارتابل سند و راوی، گزارشی نیست که به صورت کلیشه‌ای حاصل تحقیقات دیگران را نمایش دهد؛ بلکه اینها ابزاری پویا و انعطاف‌پذیر برای پژوهش‌های اجتهادی است که در اختیار محقق می‌باشد تا بتواند در راستای منبع‌یابی و متحدیابی روایات و دیگر مباحث، قدم‌های استوار بردارد و این قابلیت‌هاست که ابزاری متناسب برای محققانی است که در موضوع استخراج فهرس و منابع موردی مصادر حدیثی فعالیت دارند. واضح است که ابزار پژوهش‌هایی با رویکرد فهرستی و کتاب‌شناختی در بررسی‌های اثبات صدور روایات، نیازمند ویژگی‌ها و کارآمدی خاص است. امید است که به فضل الهی و عنایات اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، نسخه‌های بعدی درایة النور، از تحلیل و طراحی متناسب در این زمینه برخوردار باشد. ■

پی‌نوشت‌ها:

۱. «تجلیل از شاگردان آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله حجت». مجله نقد و نظر، دفتر تبلیغات اسلامی، ویژه‌نامه آیت‌الله بروجردی.

۲. کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. ج ۳، ص ۵۴۸، ح ۱ و ۲.

۳. طوسی، محمد بن حسن. تهذیب الأحکام. ج ۷، ص ۳۲۷، ح ۴ - ۶.

۴. مشیخه فقیه. ج ۴، ص ۴۵۳؛ مشیخه تهذیب. ج ۱۰، ص ۵۶؛ استبصار. ج ۴، ص ۳۱۸.

۵. ایشان از سویی جزء شاگردان دوره‌های متأخر تدریس آیت‌الله خویی به شمار می‌آید و از طرف دیگر، از طریق آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی به مکتب آیت‌الله بروجردی متصل می‌شود. گفتنی است که آیت‌الله سیستانی، بیش از آنکه تحت تأثیر آیت‌الله خویی در نجف باشد، از آیت‌الله بروجردی در قم تأثیر پذیرفته است.